

## مقایسه ترتیب تولد و هوش با تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

فاطمه سعیدی<sup>۱</sup>، محترم نعمت طاوسی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر مقایسه ترتیب تولد و هوش با تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود. **روش:** پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای است و جامعه آماری متشکل از دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقطع دکترای عمومی داروسازی مشغول به تحصیل در سال ۹۵-۹۴ بودند. بدین منظور ۲۷۵ دانشجو با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده داروسازی انتخاب شدند و به مقیاس هوش کتل و پرسشنامه سنخ نمای مایرز-بریگز پاسخ دادند. **یافته‌ها:** پس از تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با آزمون تحلیل واریانس چند متغیری نتایج نشان داد که بین هوش و مؤلفه‌های سری‌ها، طبقه‌بندی، ماتریس‌ها و شرایط در بین افراد با ترتیب تولد متفاوت (فرزند اول، فرزند میانی، فرزند آخر و تک‌فرزند) تفاوت معنادار وجود نداشت. همچنین بین هوش و مؤلفه‌های آن، سری‌ها، طبقه‌بندی، ماتریس‌ها و شرایط در بین افراد با تیپ شخصیتی متفاوت (درون‌گرد و برون‌گرد) تفاوت معنادار وجود نداشت ( $P > 0/05$ ). **نتیجه‌گیری:** بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ترتیب تولد در هوش و تیپ‌های شخصیتی نقشی ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** ترتیب تولد، هوش، تیپ‌های شخصیتی

### مقدمه

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

Email: f-saeedi@farabi.tums.ac.ir

<sup>۲\*</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

شخصیت<sup>۱</sup> ساختار فرضی پیچیده‌ای است که به صورت‌های مختلف تعریف شده است. دامنه تعاریف موجود، از مفهوم فرآیندهای درونی ارگانیزم تا رفتارهای مشهود ناشی از تعامل افراد در نوسان است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). مدی<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) شخصیت را مجموعه‌ای باثبات از تمایلات و ویژگی‌ها می‌داند که مشترکات و تفاوت‌های رفتاری- روان‌شناختی (افکار، احساسات و اعمال) افراد را تعیین می‌کند و ممکن است به‌آسانی، به‌عنوان نتیجه فشارهای زیست‌شناختی و اجتماعی زمان، قابل‌درک نباشد. صفات شخصیت اولین راهنمای تشخیص وضعیت شناختی و عاطفی افراد هستند و بر نقش‌های عاطفی اجتماعی و رفتارهای بین فردی یا شغلی افراد تأثیر می‌گذارند (موبینی هان و پترسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). آیزنک که از صاحب‌نظران حوزه شخصیت است اظهار می‌دارد که ابعاد شخصیت، آفریده‌ای اتفاقی فرهنگ نیستند، بلکه ثمره ساخت ژنتیکی و نوروفیزیولوژیکی گونه انسان هستند. اگر شخصیت مبنای زیستی داشته باشد، در این صورت این دو فرض اساسی باید درست باشند: اولاً ابعاد اصلی شخصیت باید همگانی باشند و به فرهنگ خاصی محدود نباشند. ثانیاً باید بین افرادی که در انتهای یک بعد قرار می‌گیرند (مثلاً درون‌گرایان) و آن‌هایی که در انتهای دیگر آن بعد قرار دارند (برای مثال، برون‌گرایان) تفاوت‌های نوروفیزیولوژیکی وجود داشته باشد (فیسست و فیسست<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۲). بر این اساس آیزنک اظهار می‌دارد که علت اصلی تفاوت‌ها بین برون‌گرایان و درون‌گرایان، سطح انگیختگی مغزی آن‌ها است (آیزنک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). به عبارت دقیق‌تر وی بر این باور است که افراد درون‌گرا و برون‌گرا در کارکرد بخشی از مغز خود، یعنی دستگاه فعال از صعودی ساخت شبکه‌ای باهم تفاوت دارند (آیزنک، ۱۹۹۰). ساخت شبکه‌ای دو قسمت دارد: سیستم فعال‌ساز شبکه‌ای صعودی و ساخت شبکه‌ای نزولی سیستم فعال‌ساز شبکه‌ای، عصب‌هایش را به سمت بالا، به مغز می‌فرستد تا قشر مخ را هوشیار و برانگیخته کند، درحالی‌که ساخت شبکه‌ای نزولی، عصب‌هایش را برای تنظیم کشیدگی عضله، به سمت پایین می‌فرستد (ریو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۳). این سیستم به‌طور کلی مسئول فعال‌سازی یا بی‌حرک کردن سایر بخش‌های بالاتر مغز است و ابعادی چون حفظ هوشیاری و تمرکز و کنترل چرخه خواب و بیداری را در برمی‌گیرد. هنگامی که این دستگاه در سطح بالایی عمل کند، فرد احساس دقت و هوشیاری می‌کند و هنگامی که در سطح بسیار پایینی عمل کند، فرد احساس

<sup>1</sup> personality

<sup>2</sup> Maddi

<sup>3</sup> Moynihan, & Peterson

<sup>4</sup> Fist & Fist

<sup>5</sup> Eysenck

<sup>6</sup> Rio

بی‌حالی و خواب‌آلودگی می‌نماید؛ افزون بر این یونگ علاوه بر تعیین نظام‌های شخصیت (خود، ناهشیار شخصی و ناهشیار جمعی)، نگرش‌هایی را بیان نموده است که تعیین‌کننده‌ی ادراک هشیار و واکنش‌های انسان‌ها به جهان اطرافشان هستند؛ این نگرش‌ها عبارت‌اند از درون‌گرایی و برون‌گرایی. این دو نگرش به‌علاوه‌ی چهار کارکرد روان‌شناختی که یونگ معرفی کرده (فکری، احساسی، حسی و شهودی)، هشت سنخ یا تیپ روان‌شناختی را ایجاد می‌نمایند (پور رضاییان و پور رضاییان، ۱۳۹۲). از جمله مسائلی که شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد هوش است. چنانچه اتسین، ساکلوفسکی و ایگان<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که هوش بیشتر از شخصیت با اندازه شبکه اجتماعی ارتباط دارد. مایر، سالووی و اگروسا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافتند که بین هوش و دو ویژگی اصلی شخصیت روان‌رنجوری و برون‌گرایی ارتباط معناداری وجود دارد. کوشش‌هایی که برای تدوین یک تعریف دقیق از هوش به‌عمل‌آمده اغلب با مشکل مواجه بوده و به تعریف‌های بحث‌انگیزی منجر شده است و دلیل این امر این است که هوش یک مفهوم انتزاعی است و در واقع هیچ نقطه‌ای در مغز انسان وجود ندارد که بتوان آن را جایگاه هوش دانست. یکی از تعریف‌هایی که خیلی زیاد مورد استفاده قرار گرفته، تعریفی است که وکسلر در ۱۹۵۸ پیشنهاد کرده است. از نظر وی هوش شامل توانایی‌های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمندانه و برخورد مؤثر با محیط است. علاوه بر این، او تأکید می‌کرد که هوش کلی را نمی‌توان با توانایی رفتار هوشمندانه تعریف کرد، بلکه آن را به‌عنوان جلوه‌های آشکار شخصیت به‌طور کلی تلقی کرد. بنابراین از نظر وکسلر هوش می‌تواند اجتماعی، عملی یا انتزاعی باشد و نمی‌توان آن را مانند ویژگی‌هایی مانند پشتکار، علایق و نیاز به پیشرفت دانست. در پژوهش حاضر، هدف، تعریف شخصیت یا هوش نیست بلکه سنجش شخصیت و هوش بر مبنای ترتیب تولد است؛ بنابراین به‌منظور مقایسه‌ی شخصیت و هوش فرزندان اول، فرزندان وسط و فرزندان آخر، انتخاب‌شده است. از این‌رو ترتیب تولد نسبت به سایر مفاهیم در نظریه آدلر پژوهش‌های بیشتری را برانگیخته است. برخی از پژوهش‌ها تأییدکننده نظر آدلر مبنی بر تأثیر ترتیب تولد در ساختار شخصیتی افراد است و برخی دیگر این نظریه را نمی‌پذیرند و یا تأثیر آن را بسیار ناچیز گزارش کرده‌اند. همین تناقض در نتایج پژوهش سبب شده که این موضوع یعنی ترتیب تولد و تأثیر آن بر شخصیت بارها و بارها توسط پژوهشگران متعدد در جوامع گوناگون تکرار شود (شولتز و شولتز<sup>۳</sup>،

<sup>1</sup> Austin, Saklofske, & Egan

<sup>2</sup> Mayer, Salovey, & Caruso

<sup>3</sup> Schulz & Schulz

۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۳). سالووی<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) با بررسی اثر ترتیب تولد بر شخصیت از نظریه آدلر حمایت می‌کند. سالووی در پژوهش خود ویژگی‌هایی را برای فرزند اول و فرزندان بعدی ذکر کرده که بسیار شبیه به نظر آدلر در این زمینه است. به‌طور مثال او به این نتیجه رسید که فرزندان اول، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند، بیشتر به رقابت می‌پردازد، مضطرب‌تر هستند، مدیریت برتر دارند، هم‌نوایی بیشتری نشان می‌دهند، برون‌گرد<sup>۲</sup> هستند، منظم و مسئولیت‌پذیرند، اعتمادبه‌نفس<sup>۳</sup> دارند، سنتی‌تر از سایر خواهر برادران خود هستند و بیشتر احتمال دارد که نقش رهبری را بپذیرند. هویت وابسته به والدین دارند، حسودند، روان‌آزردگی برای آن‌ها محتمل است. در مقابل، فرزندان بعدی، مخاطره‌جو، نوع‌دوست، جمع‌گرا، آسان‌گیر، تلقین‌پذیر، اجتماعی، سرکش و غیر سنتی هستند. نتایج پژوهشی در زمینه تأثیر ترتیب تولد بر توانایی‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی در یک نمونه با ۴۰۴ آزمودنی در مسکو با دانشجویان مرد فرهنگستان علوم نظامی<sup>۴</sup> با میانگین سنی ۱۸/۷ نشان دادند که ساختار خانواده (ترتیب تولد و تعداد فرزندان) بر رابطه بین مؤلفه‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی تأثیر می‌گذارد. تأثیر ترتیب تولد بر ویژگی‌های شخصیتی تا حدی متأثر از سطح هوشی است (زیربانوا، چرتکورا و پانکراتوا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). درمقابل، ریچیک و کلی<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان ترتیب تولد و شخصیت، به این نتیجه رسیدند که ترتیب تولد اثرات ماندگار بر شخصیت ندارد. در همین راستا، گوردن<sup>۷</sup> (۲۰۱۲) نیز دریافت بین ترتیب تولد و ویژگی‌هایی چون همدلی<sup>۸</sup>، پیشرفت<sup>۹</sup>، عملکرد علمی<sup>۱۰</sup> و رضایت شغلی<sup>۱۱</sup>، تفاوت معناداری وجود ندارد. تحقیقاتی دیگر نشان داد که درصد فرزندان اول در بین افراد باهوش بیش از فرزندان دیگر است. فرزندان اول اغلب در مقایسه با فرزندان دیگر زوتر زبان باز می‌کنند، زودتر راه می‌افتند و برای خواندن آمادگی پیدا می‌کنند. شاید علت احتمالی برای این تفاوت آن باشد که رفتار تربیتی والدین با فرزندان اول با رفتار آنان با سایر فرزندان تفاوت می‌کند. به فرزند اول بیشتر توجه می‌شود و مورد تشویق بیشتری قرار می‌گیرد (آلتوس<sup>۱۲</sup>؛

<sup>1</sup> Sulloway

<sup>2</sup> Extrovert

<sup>3</sup> Self-Assurance

<sup>4</sup> Military Academy

<sup>5</sup> Zyrjanova, Chertkova & Pankratova

<sup>6</sup> Reчек & Kelley

<sup>7</sup> Gordon

<sup>8</sup> Empathy

<sup>9</sup> Progression

<sup>10</sup> Academic performance

<sup>11</sup> Job satisfaction

<sup>12</sup> Altos

۱۹۶۶؛ به نقل از پاشاشریفی، ۱۳۷۶). بارکلی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی که در مورد مردان نظامی متولد سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۷ در سوئد انجام داد به این نتیجه رسید که بین ترتیب تولد و هوش در گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تفاوت وجود دارد. این پژوهش نشان داد که توانایی شناختی در فرزندان دوم پایین‌تر از فرزندان اول است. در همین راستا، دامیان و رابرتز<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه بین ترتیب تولد و هوش با شخصیت پرداختند. نتایج نشان دادند که رابطه بین هوش و ترتیب تولد قوی‌تر از رابطه ترتیب تولد و شخصیت است. افزون بر آن پژوهش‌ها نشان می‌دهند که متوسط سطوح پیشرفت تحصیلی و هوش در فرزندان اول در مجموع بالاتر از فرزندان دیگر است. شاید یک علت آن توجه بیشتر والدین به فرزندان اول است (پور رضاییان و پور رضاییان، ۱۳۹۲). روه‌ر، اگلو ف و سچماکل<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) با بررسی تأثیر ترتیب تولد بر شخصیت در نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰۰ نفر در امریکا، انگلیس و آلمان دریافتند ترتیب تولد بر هوش تأثیر دارد. به طوری که فرزند اول نمره بالاتری در آزمون هوش به دست آورد. همچنین این نتیجه به دست آمد که ترتیب تولد بر برون‌گردی، ثبات هیجانی<sup>۴</sup>، توافق جویی<sup>۵</sup>، وظیفه‌شناسی<sup>۶</sup> و تخیل<sup>۷</sup> تأثیر ندارد. در مجموع این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که ترتیب تولد فاقد اثری پایدار بر ویژگی‌های گسترده شخصیتی، به‌استثنای قلمرو شناختی است. در مقابل، کانازاوا<sup>۸</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود در انگلستان در مورد ۱۷۴۱۹ نفر نشان داد بین ترتیب تولد و هوش عمومی رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به تناقض یافته‌ها در مورد تأثیر ترتیب تولد بر ویژگی‌های شخصیتی و هوش در این پژوهش کوشش شده است تا به این پرسش که فرزندان اول نسبت به فرزندان بعدی از نظر هوشی و ویژگی درونگرایی-برونگرایی متفاوت هستند، پاسخ داده شود؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا بین ترتیب تولد باهوش و تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان تفاوت وجود دارد؟

## روش پژوهش

<sup>1</sup> Barcleay

<sup>2</sup> Damian & Robert

<sup>3</sup> Rohrer, Egloff & Schmukle

<sup>4</sup> Emotional stability

<sup>5</sup> Agreeable

<sup>6</sup> Conscientiousness

<sup>7</sup> Imagination

<sup>8</sup> Kanazawa

روش پژوهش از نوع علی - مقایسه‌ای بود و جامعه آماری متشکل از دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقطع دکترای عمومی داروسازی مشغول به تحصیل در سال ۹۵-۹۴ بودند. روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. بدین ترتیب که از بین ۱۳ دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده داروسازی به صورت تصادفی انتخاب شدند. با توجه به تعداد متغیرهای موردبررسی در این پژوهش، ۲۷۵ نفر به‌طور تصادفی از بین لیست دانشجویانی که آموزش در اختیار ما قرار داده بود انتخاب شدند. پس از خارج کردن پرسشنامه‌های مخدوش، ۳۰ نفر فرزند اول، ۳۰ نفر فرزند میانی، ۳۰ نفر فرزند آخر و ۲۱ نفر تک‌فرزند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

**مقیاس هوش کتل، مقیاس ۳ (بزرگسالان):**

مقیاس هوش کتل<sup>۱</sup>، آزمون نابسته به فرهنگ است که برای سه سطح پیش‌بینی‌شده است. مقیاس ۳ برای سطوح بالاتر از دیپلم، دانشجویان و بزرگسالان باهوش. مقیاس ۳ هوش کتل دارای دو فرم A و B است. هریک از برگه‌ها شامل چهار آزمون فرعی است که ترتیب و زمان اجرای آن‌ها به شرح ذیل است:

آزمون فرعی اول- سری‌ها با ۱۳ سؤال، ۳ دقیقه

آزمون فرعی دوم- طبقه‌بندی‌ها با ۱۴ سؤال، ۴ دقیقه

آزمون فرعی سوم- ماتریس‌ها با ۱۳ سؤال، ۳ دقیقه

آزمون فرعی چهارم- شرایط با ۱۰ سؤال، ۴ دقیقه

بنابراین در هر فرم، ۵۰ ماده و در یک مقیاس ۱۰۰ ماده وجود دارد. ماده‌ها به ترتیب درجه دشواری تنظیم شده است. برای هریک از آزمون‌های فرعی نیز چند ماده نمونه در نظر گرفته شده تا هم آزمودنی با شیوه کار آشنا شود و هم بتواند عادت‌های را که از پاسخگویی به آزمون‌های قبلی کسب کرده است، فراموش کند. در پژوهشی که باهدف تعیین اعتبار و روایی<sup>۲</sup> مقیاس هوش ۳ کتل (فرم A) انجام شد، ضریب اعتبار آزمون برابر با ۰/۷۸۳ به دست آمد. برای بررسی روایی آزمون از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش متمایل استفاده شد که تعداد چهار عامل استخراج شد. عامل‌های چهارگانه شامل فراخانی حافظه، دقت ادراک، سرعت ادراک و استدلال استقرایی است که این چهار عامل ۲۲/۹ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند (رحمانی، هومن و احمدی سرسختی، ۱۳۹۱). در این پژوهش آلفای کرونباخ برای مقیاس هوش کتل به‌طور کلی ۰/۵۵۷ به دست آمد که با توجه به اینکه ماده‌ها از ساده به

<sup>1</sup> Intelligence Scale Cattle

<sup>2</sup> validity

دشوار تنظیم‌شده است، ضریب مناسبی به نظر می‌رسد. برای مؤلفه‌ها سری‌ها ۰/۲۲۳، طبقه‌بندی ۰/۵۵۷، ماتریس ۰/۳۷۰ و شرایط ۰/۱۳۶ به دست آمد. ضرایب همبستگی هر مؤلفه با نمره کل، نمره نهایی هوش برای هر مؤلفه سری‌ها ۰/۵۹۶، طبقه‌بندی ۰/۷۹۵، ماتریس‌ها ۰/۵۲۱ و شرایط ۰/۵۳۹ به دست آمد. همبستگی بین مؤلفه‌ها پایین بود اما با نمره کل همبستگی بالا بود که این امر نشان‌دهنده توان مناسب آزمون هوش کتل است.

### پرسشنامه سنخ‌نمای مایرز-بریگز

پرسشنامه سنخ‌نمای مایرز-بریگز<sup>۱</sup> (MBTI)، یک ابزار خود سنجی است که بر اساس نظریه ریخت‌های شخصیتی یونگ طراحی شده است. نتایج این پرسشنامه تفاوت‌های باارزش مابین انسان‌های طبیعی و سالم را مشخص می‌کند. پرسشنامه سنخ‌نمای مایرز-بریگز شامل چهار مقیاس دوقطبی است که هر قطب یک ترجیح روان‌شناختی نامیده می‌شود. مقیاس فکری-احساسی<sup>۲</sup> (TF)، مقیاس حسی-شهودی<sup>۳</sup> (SN)، کارکردهای روانی و مقیاس درون‌گردی-برون‌گردی<sup>۴</sup> (EI)، منضبط-ملاحظه‌کار<sup>۵</sup> (JP) و بازخوردهای روانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (EI) حاکی از این است که توجه فرد برای جمع‌آوری اطلاعات، دنیای خارج است (E) یا دنیای درون فرد (I). همچنین مقیاس (SN) نشان‌دهنده نحوه جمع‌آوری اطلاعات است. افرادی که حسی بودن را ترجیح می‌دهند (S)، تنها به اطلاعات محسوس از طریق حواس پنج‌گانه اهمیت می‌دهند درحالی‌که اطلاعات افراد شهودی<sup>۶</sup> (N) همراه با احساس‌های غیر محسوس و تداعی‌ها است. مقیاس (TF) فکری-احساسی نحوه پردازش اطلاعات وارد شده را نشان می‌دهد. افراد فکری (T) به دنبال نتیجه‌گیری‌های مبتنی بر منطق و افراد احساسی (F) به دنبال نتیجه‌گیری مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌ها هستند. مقیاس (JP) موضع‌گیری فرد را در برخورد با جهان خارج نشان می‌دهد. افرادی که قضاوت کردن را ترجیح می‌دهند (J)، یک زندگی برنامه‌ریزی‌شده و ساخت‌دار را ترجیح می‌دهند، درحالی‌که افرادی که اداره را ترجیح می‌دهند (P)، به دنبال یک زندگی منعطف و خودانگیخته هستند (گوردون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰ نقل از شکیبا، ۱۳۸۷). پرسشنامه سنخ‌نمای مایرز-بریگز دارای برگه‌های متفاوتی است که کاربردهای مختلفی دارد. در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش از مقیاس درون‌گردی-برون‌گردی استفاده شده است. این فرم از ۱۵ ماده

<sup>1</sup> Myers-Briggs Type Indicator

<sup>2</sup> thinking-feeling

<sup>3</sup> sensing-intuiting

<sup>4</sup> extrovert-introvert

<sup>5</sup> judging-perceiving

<sup>6</sup> Gordon

تشکیل شده است. راثمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴ نقل از شمس علی، ۱۳۹۲) ضریب همسانی درونی پرسشنامه سنخ نمای مایرز بریگز را بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۶ و اعتبار باز آزمایی آن را ۰/۶۳ تا ۰/۹۳ گزارش کرد. در یک نمونه ۳۰۳۶ نفری ضرایب اعتبار درونی برای ترجیح درون گردی - برون گردی ۰/۹۰، ترجیح حسی - شهودی ۰/۹۲، ترجیح تفکری - احساسی ۰/۹۱ و ترجیح قضاوت - ادراک ۰/۹۲ به دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ در یک نمونه ۲۸۹۵ نفری نیز برای تمام ترجیحات بالاتر از ۰/۹۰ بود. در پژوهشی که بر روی ۳۰ نمونه اجرا شد ضریب اعتبار به روش همسانی درونی ۰/۸۳ بود. ضرایب اعتبار ترجیحات شخصیتی برای برون گردی - درون گردی ۰/۷۷، حسی - شهودی ۰/۷۱، تفکری - احساسی ۰/۸۴ و قضاوت - ادراک ۰/۸۰ گزارش و این اعتبار پرسشنامه تائید است (آهنی، ۱۳۸۸). در این پژوهش آلفای کرونباخ پرسشنامه سنخ نمای مایرز - بریگز ۰/۷۳۱ به دست آمد. در این تحقیق پس از توصیف داده‌ها و با استفاده از نرم افزار نسخه ۲۱ SPSS برای پاسخ به سؤال پژوهش از آزمون مجذور خی و آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شده است.

### یافته‌ها

در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های هوش افراد با تیپ شخصیتی بر مبنای رتبه تولد ارائه شده است؛ و در جدول (۲ و ۳) نتایج تحلیل واریانس چند متغیره آورده شده است.

جدول ۱. شاخص توصیفی مؤلفه‌های هوش افراد با تیپ شخصیتی بر مبنای رتبه تولد

تک‌فرزند		آخر		میانی		اول		ترتیب تولد	متغیر
<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>		
۱/۱۰۹	۹/۰۰	۱/۲۹۱	۸/۲۰	۱/۲۸۷	۸/۴۳	۱/۵۵۵	۸/۲۲	درون گرد	سری‌ها
۲/۴۳۳	۷/۹۳	۲/۲۳۶	۷/۴۰	۲/۰۷۷	۷/۷۱	۲/۵۳۹	۷/۷۲	طبقه‌بندی	
۱/۴۴۷	۵/۶۴	۱/۷۳۰	۵/۹۲	۱/۲۲۵	۶/۰۰	۱/۱۳۸	۶/۳۳	ماتریس‌ها	
۰/۸۵۲	۶/۵۷	۱/۱۵۵	۶/۸۰	۱/۰۶۵	۶/۳۳	۱/۱۶۶	۷/۲۲	شرایط	
۴/۱۴۸	۲۹/۱۴	۳/۵۶۷	۲۸/۳۲	۳/۳۸۶	۲۸/۴۸	۴/۰۳۳	۲۹/۵۰	هوش	

<sup>1</sup>. Rothman



۱/۳۴۵	۸/۸۶	۱/۲۲۵	۸/۰۰	۱/۲۲۵	۸/۳۳	۱/۸۸۱	۸/۵۸	سری‌ها	برون‌گرد
۱/۷۷۳	۷/۱۴	۲/۶۸۳	۸/۸۰	۱/۹۴۴	۷/۴۴	۲/۱۷۹	۷/۷۵	طبقه‌بندی	
۰/۷۵۶	۶/۷۱	۲/۶۸۳	۵/۸۰	۱/۵۰۰	۵/۰۰	۱/۲۷۹	۶/۰۰	ماتریس‌ها	
۰/۷۵۶	۷/۲۹	۰/۸۳۷	۷/۲۰	۱/۰۹۳	۶/۷۸	۱/۱۲۸	۷/۰۰	شرایط	
۲/۵۱۷	۳۰/۰۰	۳/۱۱۴	۲۹/۸۰	۳/۵۷۵	۲۷/۵۶	۴/۸۳۰	۲۹/۳۳	هوش	

بر اساس نتایج جدول فوق، تفاوت‌هایی در مؤلفه‌های هوش افراد با رتبه تولد متفاوت و همچنین با تیپ شخصیتی متفاوت مشاهده شد.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)

—	sig	F	MS	df	SS	
۰/۰۳۸	۰/۲۴۰	۱/۴۲۴	۲/۶۵۳	۳	۷/۹۵۸	سری‌ها
			۴/۹۹۵	۱۰۷	۱۹۹/۲۸۶	خطا
				۱۱۱	۸۱۰۰/۰۰۰	کل
۰/۰۰۰	۰/۹۹۸	۰/۰۶۷	۰/۰۶۷	۳	۰/۲۰۰	طبقه‌بندی
			۴/۹۹۵	۱۰۷	۵۳۴/۴۶۷	خطا
				۱۱۱	۷۰۵۹/۰۰۰	کل
۰/۰۱۶	۰/۶۱۹	۰/۵۹۶	۱/۲۹۲	۳	۳/۸۷۶	ماتریس‌ها
			۲/۱۶۶	۱۰۷	۲۳۱/۸۰۰	خطا
				۱۱۱	۴۱۶۰/۰۰۰	کل
۰/۰۵۳	۰/۱۲۱	۱/۹۸۲	۲/۲۵۳	۳	۶/۷۵۸	شرایط
			۱/۱۳۷	۱۰۷	۱۲۱/۶۳۸	خطا
				۱۱۱	۵۲۹۱/۰۰۰	کل

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (جدول ۲) نشان داد بین هوش و مؤلفه‌های آن، سری‌ها ( $F=1/242$  و  $sig=0/240$ )، طبقه‌بندی ( $F=0/067$  و  $sig=0/998$ )، ماتریس‌ها ( $F=0/596$ ) و  $F=0/619$  ( $sig=0/619$ ) و شرایط ( $F=1/982$  و  $sig=0/121$ ) در بین افراد با ترتیب تولد متفاوت (فرزند اول، فرزند میانی، فرزند آخر و تک‌فرزند) تفاوت معنادار وجود نداشت.

جهت بررسی وجود تفاوت هوش و مؤلفه‌های آن بین افراد با تیپ شخصیتی متفاوت، آزمون تحلیل واریانس چند متغیره اجرا شد. نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی تفاوت هوش افراد با تیپ شخصیتی متفاوت در جدول (۳) گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)

—	sig	F	MS	Df	SS	
0/001	0/795	0/068	0/129	1	0/129	سری‌ها
			1/900	109	207/114	خطا
				111	8100/000	کل
0/000	0/925	0/009	0/043	1	0/043	طبقه‌بندی
			4/905	109	534/624	خطا
				111	7059/000	کل
0/002	0/650	0/207	0/446	1	0/446	ماتریس‌ها
			2/158	109	235/230	خطا
				111	4160/000	کل
0/016	0/183	1/795	2/081	1	2/081	شرایط
			1/159	109	126/316	خطا
				111	5291/000	کل

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (جدول ۳) نشان داد بین هوش و مؤلفه‌های آن، سری‌ها ( $F=0/068$  و  $sig=0/795$ )، طبقه‌بندی ( $F=0/009$  و  $sig=0/925$ )، ماتریس‌ها ( $F=0/207$ ) و

۰/۶۵۰ (sig) و شرایط ( $F=۱/۷۹۵$  و  $sig=۰/۱۸۳$ ) در بین افراد با تیپ شخصیتی متفاوت (درون‌گرد و برون‌گرد) تفاوت معنادار وجود نداشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

در راستای نظر بعضی از صاحب‌نظران حیطة روان‌شناسی همچون آدلر مبنی بر تأثیر ترتیب تولد بر سبک زندگی و ویژگی‌های شخصیتی افراد، پژوهش حاضر هوش و ریخت‌های شخصیتی (درون‌گردی- برون‌گردی) را در رتبه‌های تولد (اول- میانی- آخر و تک‌فرزند) مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش در مورد دانشجویان به‌منظور پاسخ به این سؤال که آیا ترتیب تولد در هوش و ریخت‌های شخصیتی نقش دارد؟ نشان داد که ترتیب تولد در هوش و ریخت‌های شخصیتی نقش ندارد. به‌عبارت‌دیگر بین ترتیب تولد، هوش و رگه‌های شخصیتی (درون‌گرد- برون‌گرد) تفاوت معنادار دیده نشد. پژوهش‌های بک و همکاران (۲۰۰۶)، گوردن (۲۰۱۲)، ریچیک و کلی (۲۰۱۳) و روهر و دیگران (۲۰۱۵) در زمینه ترتیب تولد به نتایجی مشابه با یافته‌های پژوهش حاضر دست یافتند. اثر ترتیب تولد بر تفاوت‌های شخصیتی و هوش افراد منجر به پژوهش‌های متعددی شده است که از این میان برخی از پژوهش‌ها تفاوت‌هایی عمده‌تر به نفع فرزندان اول گزارش شده و در برخی نیز تفاوت معنادار یافت نشده است. (احمدی، ۱۳۸۵). یافته‌های کاناوا (۲۰۱۲) نیز در رابطه با ترتیب تولد و هوش از مطالعه بر روی ۱۷۴۱۹ نمونه از (انگلیس، والیس، اسکاتلند) نشان داد که ترتیب تولد تأثیر واقعی بر هوش عمومی ندارد. در رابطه با ترتیب تولد و رگه‌های شخصیتی بک<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۰۶) تحقیقی در دانشجویان در حال تحصیل و فارغ‌التحصیل کارشناسی انجام دادند که همسو با پژوهش حاضر مشخص شد که ترتیب تولد هیچ اثر قابل‌توجهی بر برون‌گردی، ثبات هیجانی، توافق جویی، وظیفه‌شناسی و تخیل ندارد. میچالسکی<sup>۲</sup> و شاکلفورد<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) با ارزیابی ۲۷۷ دانشجوی فارغ‌التحصیل هیچ رابطه‌ای برای هوشیاری، ثبات عاطفی یا برون‌گردی بر اساس ترتیب تولد مشاهده نکردند. به‌طور مشابه جفرسون<sup>۴</sup> و دیگران (۱۹۹۸) در پژوهش خود با ۹۶۶۴ شرکت‌کننده هیچ تفاوتی مبنی بر اثر ترتیب تولد بر شخصیت گزارش نکردند. در این زمینه پژوهش‌هایی نیز ارائه شده که نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر همخوانی ندارد که البته این مغایرت موجب قضاوت و نتیجه‌گیری فوری نمی‌شود. به‌عنوان مثال: برکلی (۲۰۱۵) در رابطه با تأثیر ترتیب تولد و هوش یک رابطه منفی را گزارش کرد. بدین معنی که با بالا رفتن رتبه

<sup>1</sup> Beck

<sup>2</sup> Michalski

<sup>3</sup> Shackelford

<sup>4</sup> Jefferson

تولد میزان هوش کاهش می‌یابد. وی پژوهش خود را بر روی مردان نظامی متولد ۱۹۶۵-۱۹۷۷ در کشور سوئد انجام داد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش او آزمون ارزیابی توانایی‌های شناختی متشکل از خرده‌آزمون‌های سنجش توانایی منطقی، فضایی، کلامی و فنی است. دامیان و رابرتس (۲۰۱۵) در پژوهشی در مورد دانش‌آموزان دبیرستانی در ایالات متحده در رابطه با تأثیر ترتیب تولد بر هوش و شخصیت رابطه معنادار را گزارش کردند. البته آن‌ها در پژوهش خود متغیرهای (سن، جنس، اندازه، وضعیت اجتماعی اقتصادی خانواده و ساختار خانواده) را کنترل کردند. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش نیز مانند برکلی از آزمون‌های سنجش توانایی‌های شناختی، کلامی، تجسم فضایی استفاده شده است ضمن اینکه هر دو پژوهش از نوع نمونه‌های درون خانوادگی است. یک کلیت تجربی که در بحث رابطه هوش با ترتیب تولد نمود پیدا می‌کند آن است که تحقیقات با استفاده از داده‌های درون خانوادگی به‌طور ویژه یک ارتباط مهم آماری را بین ترتیب تولد و هوش نشان می‌دهند درحالی‌که تحقیقات با استفاده از داده‌های بین خانوادگی به‌طور ویژه این‌گونه نیستند (کانازاوا، ۲۰۱۲). پاتول هوس<sup>۱</sup> (۱۹۹۹ نقل از روه‌ر، ۲۰۱۵) معتقد است که این یافته‌های متناقض ممکن است به دلیل طرح‌های پژوهشی متفاوت باشد: پژوهش‌هایی که خانواده‌های متفاوت را مقایسه می‌کنند به‌طور مفروض دارای قدرت شناسایی تأثیرات پایدار بر شخصیت نیستند. به دلیل اینکه بخش‌های بزرگی از اختلاف در شخصیت به‌واسطه ترتیب تولد ایجاد نمی‌شوند بلکه متغیرهای دیگری مثل موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی و تمایلات پیشین ژنتیکی در این امر دخیل هستند. به اعتقاد هریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نقل از ریچیک و کلی، (۲۰۱۳) هرچند باور عمومی در قدرت ترتیب تولد توسط شواهد حمایت نمی‌شود، اما محیط فرهنگی و کتاب‌های عامه‌پسند، ترتیب تولد را به‌عنوان یک عامل اساسی تبلیغ می‌کنند. این تصور که ترتیب تولد با اهمیت است ریشه در تجارب فردی و یا میل به این دارد که محیط خانواده را به‌عنوان منبع تأثیر بر رشد فرد در نظرگیرند. با توجه به شواهد موجود فرض بر آن است که تفاوت‌های فردی در شخصیت به‌وسیله تفاوت در وضعیت ژنتیکی است که می‌تواند منجر به تفاوت در تجارب و یا تفاوت در پاسخ به تجارب شود. همچنین تفاوت‌های محیطی نظیر گروه‌های همسالان متفاوت نیز در این امر مؤثر است. افروز (۱۳۸۳) نقل از احمدی، (۱۳۸۵) موقعیت بهتر فرزندان اول در خانواده را فقط درباره جوامع پیشرفته اروپا و آمریکا صادق می‌داند. وی معتقد است در ایران نه تنها فرزندان اول موقعیت بهتری در خانواده ندارند، بلکه برعکس از بی‌تجربگی والدین خود در امر فرزند

<sup>1</sup> Paulhus

<sup>2</sup> Harris

پروری رنج می‌برند. درواقع فرزندان اول برای والدین حکم نوعی کارورزی را دارند، بدین معنا که وسیله‌ای هستند برای کسب تجربه والدین در امر تربیت فرزندان بعدی. در مقابل، فرزندان بعدی امتیاز بزرگ تجربه والدین را در اختیار دارند. به همین دلیل است که در کشور ما میزان معلولیت‌های ذهنی خفیف تا شدید در فرزندان اول بیشتر است. طرح‌های پژوهشی ترتیب تولد از لحاظ روش انتخاب نمونه (درون خانوادگی - بین خانوادگی) و میزان کنترل متغیرهایی چون: حجم خانوار<sup>۱</sup>، جنس آزمودنی‌ها و همشیره‌های آن‌ها، فاصله سنی همشیره‌ها، سن مادر هنگام تولد متفاوتند (ترلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، مغایرت در نتایج پژوهش‌ها می‌تواند ناشی از تفاوت در انتخاب جامعه آماری، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، ابزار سنجش و متغیرهای تأثیرگذار و محل اجرای پژوهش باشد. به‌طور کلی با توجه به تناقض در نتایج پژوهش‌ها نمی‌توان هیچ نتیجه‌گیری قطعی در مورد جنبه تکاملی تأثیر ترتیب تولد مطرح کرد و نباید نتایج به‌دست‌آمده را به‌عنوان یک اصل در بحث ترتیب تولد در نظر گرفت بلکه باید آن را به‌عنوان بخشی از پژوهش‌های مرتبط در زمینه ترتیب تولد تلقی کرد. چراکه اظهارنظر و قضاوت نمودن درباره موضوع ترتیب تولد مستلزم بررسی‌های بیشتر با کنترل حداکثری متغیرها و نمونه‌های متنوع‌تر است و اصولاً نمی‌توان تنها با اجرای چند آزمون هوش یا شخصیت با تعداد محدود به نتایج قطعی دست‌یافت. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان ارزیابی اعضای یک خانواده برای مشخص کردن نقش ترتیب تولد در هوش و شخصیت است. محدودیت دیگر این پژوهش عدم امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر مانند حجم خانوار، جنس آزمودنی و همشیره‌های او، فاصله همشیره‌ها و سن مادر هنگام تولد است. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی در این زمینه، آزمودنی‌ها در سطوح مختلف ترتیب تولد از یک خانواده انتخاب شوند تا متغیرهایی چون وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، موقعیت فرهنگی که می‌تواند در نتیجه پژوهش تأثیرگذار باشد کنترل شود. همچنین متغیرهای حجم خانوار، تعداد همشیره‌ها، سن والدین هنگام تولد و فاصله سنی همشیره‌ها می‌تواند در نتایج پژوهش تأثیر گذارد بنابراین پیشنهاد می‌شود حتی‌الامکان در پژوهش‌هایی در این زمینه متغیرهای مذکور کنترل شوند.

<sup>1</sup> family size

<sup>2</sup> Truley

## منابع

- احمدی، ا. (۱۳۸۵). رابطه ترتیب تولد و پیشرفت تحصیلی در خانواده‌های دانشجویان دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۶ (۳)، ۵۰-۳۲.
- آهنی، ا. (۱۳۸۸). رابطه تیپ‌های روان‌شناختی با سبک‌های حل مسئله در کارکنان دانشگاه شهید بهشتی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۳ (۴)، ۶۱-۴۰.
- پاشا شریفی، ح. (۱۳۷۶). *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: سخن.
- پور رضاییان، ه؛ و پور رضاییان، م. (۱۳۹۲). تأثیر رتبه تولد بر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان با استفاده از آزمون نئو. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۳ (۱۱)، ۲۷-۱.
- رحمانی، مرضیه؛ هومن، حیدر علی؛ احمدی سرسختی، عمادالدین. (۱۳۹۱). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هوش سیال کتل در دانش‌آموزان تیزهوش. *مجله روانشناسی تحولی- روانشناسان ایرانی*، سال نهم، شماره ۳۳؛ ۲۷-۳۸.
- ریو، م. ج. (۲۰۰۴). *انگیزش و هیجان*. ترجمه‌ی. سیدمحمدی (۱۳۹۳). تهران: نشر ویرایش
- شکیبا، ش. (۱۳۸۷). رابطه تیپ‌های روان‌شناختی و هوش هیجانی- اجتماعی: نکاتی کاربردی درباره ارتقای هوش هیجانی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۲ (۴)، ۶۲۵-۶۰۷.
- شمس علی، ا. (۱۳۹۲). *رابطه تیپ‌های شخصیتی مایرز- بریگز با انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان پایه اول متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- شولتز، د؛ و شولتز، س. (۲۰۱۳). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی. سید محمدی (۱۳۹۳)، تهران: نشر ویرایش
- فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: سمت.
- فیست، ج؛ و فیست، گ. ج. (۲۰۰۵). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۹۲). تهران: نشر روان.

- Austin, E. J., Saklofske, D. H., & Egan, V. (2005). Personality, well-being, and health correlates of trait emotional intelligence. *Journal of Personality and Individual Differences*, 38, 547-558.
- Barcleay, k. j. (2015). A within family analysis of birth order and intelligence using population conscription data on Swedish men. *Intelligence*.49. 134- 143.
- Beck, E., katriina, L., & Burnet, J, V. (2006). Birth order effects on facets of extraversion. *personality and individual differences*, 40, 953- 959
- Damian, R., & Roberts, B. (2015). The associations of birth order with personality and intelligence in a representative sample of U.S. high school students. *Journal of Research in Personality*, 58, 96- 105.
- Eysenck, H. J.(1990). *Personality*, marital satisfaction, and divorce. *Psychological Reports*, 47, 1235-1238.
- Eysenck. H.J. (1997), Personality and experimental psychology: The unification of psychology and the possibility of a paradigm. *Journal of personality and social psychology*, 73, 1224-1237.
- Gordon, J. (2012). *Birth order: Investigating its effects on personality, empathy, achievement and perceived academic performance*. Submitted in partial fulfillment of the requirement of the bachelor of arts degree (psychology specialization) at DBS school of Arts. Dublin.
- Jefferson, T., Herbst, J. H., & McCrae, R. R. (1998). Associations between birth order and personality traits: Evidence from self-reports and observer ratings. *Journal of Research in Personality*, 32, 498–509.
- Kanazawa, S. (2012) intelligence, birth order, and family size. *Personality and Social Psychology Bulletin*.34(9). 1157- 1164.
- Maddi, S. R. (1989). *Personality theories*. Wadsworth, INC.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D.R. (2011). The validity of the MSCEIT: Additional analyses and evidence. *Emotion Review*, 4, 403-408.
- Michalski, R., & Shackelford, T. (2001). Methodology, birth order, intelligence, and personality. *American Psychologist*, 56, 520–521.
- Moynihan, L.M. & Peterson, R.S. (2001). A contingent Configuration approach to understanding the role of personality in organizational groups. *Research in organizational*, 23, 327-38.

- Reчек, A., & Kelley, J. (2013). Birth order and personality: A within-family test using independent self-reports from both firstborn and later born siblings. *Journal of Personality and Individual Differences*, 56, 15-18.
- Rohrer, J. M., Egloff, B., & Schmukle, S. C. (2015). Examining the effects of birth order on personality. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(46), 14224–14229.
- Sullo way, F. (2007). *Birth order*. In C. Salmon & T. Shackelford (Eds.), *Evolutionary family psychology* (pp. 162–182). Oxford and New York: Oxford University Press.
- Turley, L. (2003). Are children of young mothers disadvantaged because of their mother's age or family background? *Child Development*, 74, 465-474
- Zyrianova, N. M., Chertkova, Y. u. D., & Pankratova, A. A. (2013). The influence of birth order and family size on the relationships between cognitive abilities and personality traits. *Social and Behavioral Sciences*, 86, 262–266.

